

پیامبر(ص) و لطف الهی

مردی بود زشت صورت و در عین حال مومن و خدا ترس. اما زشتی چهره او را می رنجاند، و اگر چه به زبان نمی آورد در دلش از خدای خود شکایت داشت.



مردی بود زشت صورت و در عین حال مومن و خدا ترس. اما زشتی چهره او را می رنجاند، و اگر چه به زبان نمی آورد در دلش از خدای خود شکایت داشت.

گاهی با خود می اندیشید اگر ترس از حساب و کتاب روز قیامت نبود عملی برای رضای خدا انجام نمی دادم. و گاهی فکر می کرد می توانم فقط کارهایی انجام دهم که از من سوال و بازخواست می شود. این فکر ها انقدر به جانش افتادند تا بالاخره او را به نزد رسول خدا کشاندند.

#171&مردی خدمت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) آمد و عرض کرد یا رسول الله آیا خداوند از غیر واجبات هم از چیز دیگری سال می کند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: خیر

آن مرد زشت چهره گفت سوگند به خدائی که تو را براستی برانگیخت من جز واجبات کار دیگری نخواهم کرد.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: چرا جز واجبات کار دیگری را انجام نمی دهی؟

آن مرد گفت: برای اینکه خداوند خلقت مرا زشت کرده است.

رسول خدا با شنیدن این سخن سکوت کردند (و نگاه مهربانش طولانی شد) در این هنگام جبرئیل فرود آمد و گفت ای محمد خداوند تو را سلام می رساند و می گوید به بنده من بگو: دوست نداری تو را در آسایش و راحتی مبعوث کنم و در قیامت ناراحت نباشی؟

رسول خدا پیغام خداوند را به او رساند. آن مرد گفت: یا رسول الله آیا خداوند مرا در نزد خود یاد کرده است؟

رسول خدا فرمود: آری

مرد با خوشحالی گفت: سوگند به خدائی که تو را به راستی برانگیخت من بعد از این، هر عملی (خدا را خوشنود کند) و مرا به خداوند نزدیک کند، انجام خواهم داد. »*;

این داستان واقعی نشان دهنده ی لطف و عدالت الهی در حق همه ی بندگان است. اگر کسی در دنیا گرفتار مشکلی شود که مربوط به گناهان خودش نیست، خداوند حساب آن را دارد و روز قیامت و جهان آخرت آن را تلافی می کند. خداوند نسبت به بندگان بسیار مهربان است و هرگز نسبت به احساسات و آرزوهای آن ها فراموشکار و بی تفاوت نیست. هیچ کس از خدا نسبت به بندگان مهربان تر نیست.

*ایمان و کفر-ترجمه الایمان و الکفر بحار الانوار، ج 2، ص: 178